

نوا

تحقیق و تفحص از جشنواره فجر



خبر تحقیق و تفحص مجلس درباره پشت پرده‌های مالی و ریخت‌وپاش‌های جشنواره‌های فرهنگی فجر از سوی مجلسی‌ها اعلام شد. محمدتقی نقدعلی نماینده خمینی‌شهر در مجلس در این باره گفت: «جلوی فساد باید ایستاد، چه در مجموعه‌های اقتصادی چه در فرهنگ. در راستای درخواست فعالان هنری در خصوص ریخت‌وپاش‌ها، تحقیق و تفحص از جشنواره‌های برگزار شده همچون جشنواره فجر، جشنواره فیلم کودک و نوجوان و سایر جشنواره‌ها کلید خورد.»

بماند که چرا هنوز در کمیسیون فرهنگی مجلس چنین سخنانی مطرح نمی‌شود و از کمیسیون‌های غیر مرتبط با فرهنگ چنین سخنانی ایراد می‌شود اما باید یاد آور شد که جشنواره موسیقی فجر از بی‌بازده‌ترین جشنواره‌ها در سال گذشته بوده است. جشنواره‌ای که تنها برای خرج یک بودجه با آلوده و به هر قیمتی انجام شد و ماحصل آن ساختن مدیران هنری نوبنی است که تجربه آنها برای ویرانی هر فرهنگ و هنری کافی است.

مصیبت آموزش آنلاین

علی اصغر عرب‌شاهی نوازنده تار، آلبومی را به خوانندگی الیاس طیفانی در دست انتشار دارد. خواننده آلبوم منتشر نشده عرب‌شاهی در گفتگو با خبرگزاری مهر درباره فعالیت این روزهای خود و وضعیت تدریس و آموزش آنلاین موسیقی گفته: «این روزها مشغول تدریس آنلاین موسیقی هستم. آموزشگاه‌های موسیقی تعطیل شده‌اند و وضعیت تدریس آنلاین هم با توجه به اینترنت ضعیف کشور چندان مناسب نیست. دانشگاه‌ها نیز همین‌طور هستند و آن دریافت‌هایی که دانشجو‌ها باید داشته باشند را ندارند. در واقع آموزش آنلاین دارد تبدیل به یک معضل و مصیبت برای دانشجویان می‌شود. درگیر آلبوم «خیال پرواز» با علی اصغر عرب‌شاهی نیز هستم. این آلبوم شامل پیش‌درآمد، دو آواز و سه تصنیف است. در مراحل نهایی آلبوم قرار داریم و می‌خواهیم به زودی آن را منتشر کنیم.» او درباره شرایط اقتصادی نشر آلبوم موسیقی نیز گفته: «در کل انتشار آلبوم در شرایط حال حاضر از دید حرفه‌ای توجیه اقتصادی ندارد و کسانی که کار جدی موسیقی انجام می‌دهند، در حال حاضر با هزینه شخصی خود و یا بصورت رفاقتی کار می‌کنند.»

واقعیت تلخ

رضا صادقی و ملیجک‌های موسیقی!



رضا صادقی خواننده موسیقی پاپ در تازه‌ترین پست اینستاگرامی خود با انتشار یکی از انیمیشن‌های پر باز دید فضای مجازی به کارگردانی امین حق‌شناس که تمرکز آن بر گرایش بیش از اندازه مردم به آثار مبتذل موسیقی و هم‌زمان مهجوریت موسیقی نواحی بود، ضمن قدردانی از سازندگان این اثر نوشت: «ته مافیایی وجود داره و نه جادویی، که اگر موجود داشته باشه تا جامعه پذیرانشه نمی‌تونه تحمیل سلیقه کنه... از ماست که بر ماست... این قدر ملیجک بزرگ کردیم که هنرمند گوشه‌نشین شداز سر غربت بین خودی... گاهی دیدن بزرگ‌ترها من در موسیقی و شعر، محلی وبومی و اصل و پاکی حتی، هم‌زیست و هم‌دلشین... هر چند ایمان دارم که جوونای دهه هفتاد و هشتاد و بچه‌های دهه نود، باشعور و آگاهی این سیکل معیوب رو در دست می‌کنن... نظر شما درباره این واقعیت تلخ چیه؟»

به بهانه نصب یک پوستر تبلیغاتی با علائم موسیقایی در تهران

هویت شهری ضد موسیقی است



از ایده پردازان و مجوز دهندگان آن باشید یا هزاران من نبودم‌ها و تقصیر آستینم بودن‌ها مواجه می‌شوید) متوجه این خلأ شده‌اند و از آن در تبلیغ خود بهره جسته‌اند هوشمندی بازار تبلیغات را می‌رساند که به علت کمبود تبلیغات این چنینی در حوزه موسیقی از دیرباز که کمتر امکانش بود تاکنون که به‌طور کلی حذف شده،

مخاطب با استفاده از عناصر مطلوب به شیوه گمراه‌سازی در نگاه اول به‌منظور هنرمند سازی خود بهره جسته و چنین مضمونی را القا کند. اینکه شهر آن قدر در ۸ ماه گذشته به دلیل شیوع ویروس چینی کرونا خالی از تبلیغات رویدادهای موسیقی است کافی بوده تا متصدیان تبلیغات شهری (که اگر دنبال پیدا کردن رد و نشانی

یک برج ساخته شده، تبلیغات یک شرکت ساختمانی است که در زمینه انبوه‌سازی و برج‌سازی در منطق شمال شهر تهران مشغول به کار است و از نشانه‌های موسیقایی در تبلیغ خود بهره برده، این پوستر بزرگ در حالی در میدان تجریش تهران خودنمایی می‌کند که سعی دارد با استفاده از عناصر موسیقایی در جهت جذب نگاه



بهنا یاری

دستان رهبر ارکستری که باگت رهبری در دست راست اوست و آستین‌های کت فرآک مشکی که حاکی از دیسپلین سطح بالای اجراست و نام سمفونی بر پایین

دنگ و دوتگ

چهل روز از درگذشت استاد شجریان گذشت

دریغ از برگزاری یک مراسم؛ ولو مجازی

لیلا موسی زاده

چهل واندی روز از درگذشت استاد شجریان گذشت و در این مدت فضای مجازی پر بود از عکس‌های استاد و یا آواز سحرانگیز این حنجره فروبسته امروز که روزی بلبل خوش‌نغمه بی‌مانند در آواز بود، بلندی و عظمت هنر او در این زمانه افول سلیقه‌ها نشان از تعالی داشت که اگر روزگاری شکوفایی همراه باشد تا چسان می‌توان با هنر سر به آسمان سپید همان گونه که در این روزگار وانفسا مجاری تنفسی بود بر اندک فارغ شدن از مصائب روزگار و فرورفتن در هنری که گویا از اولین روزهای یادداشتن به این زندگی ما را به آرامش و داشته است. در اولین روزهای نوزادگی نغمه‌های مادر نواگر و آرامشگر روح و روانمان بود و پس از آن هنر آواز توانسته

همپای نغمه گرم مادر در جان ما بنشیند. و چه نغمه و نوایی خوش‌تر از سحر نفس‌های استاد شجریان که در تمامی خوشی‌ها و ناخوشی‌ها همراه ما بوده است که بدان صدا و آواز پناه جسته و در آن خانه کرده بودیم. والایی هنر او در این زمانه که ناکس از کس می‌دزد چراغ، به ما ششمه‌ای از تاریخ گذشته پرافسوسمان را نشان داد که هرگاه با بزرگی و یا هنری در قرون گذشته مواجه شده‌ایم بارها از خود پرسیده‌ایم که چه شد که امتداد نیافت؟ چرا به افول رسیدیم؟ چرا در زمانه خودشان، این دانشمندان و بزرگان و موسیقیدانان درک نشدند و چرا راهشان بسته شد؟ و یا به جای رسیدیم که موزیسین‌هایمان را در شهر اعدام کردند؟ (در زمان حکومت صفویه موزیسین‌ها را در شهر در جلوی مردم اعدام می‌کنند و موج

مهاجرت از ایران به هند موزیسین‌ها به راه می‌افتد و زنجیره موسیقی ایران با گذشته پیش از آتش گسسته و گم می‌شود) با وجود بزرگ هنرمندی چون محمدرضا شجریان درک ما از تاریخ بهبود پیدا کرد که چگونه در آن کمتر شمه‌ای از ارزشمندی هنرمندان در زمان حیاتشان برای مردم نیست و چرا این همه تاریخ هنر در کشور ما پراز کاستی و مفقودی است. نگاه نکنید که در صفحات مجازی چقدر در این چهل و اندی روز به استاد شجریان پرداخته شده است و چه کسانی درست یا نادرست عکس‌های دوفره خود را با ایشان برای بزرگنمایی وزن خود آشکار کرده‌اند که البته برای علاقه‌مندان بسی جای افتخار است. باید دید که احترام‌های مجازی که به استاد نثار شده



شواوف بانام استاد همه‌امور خود را تعطیل کرده است. حتی انتظار می‌رفت شاگردان ریزودرشت استاد شجریان در حرکتی هماهنگ با هم یک مراسم که پراز آواز بود را به یاد استادشان ضبط و در روز چهلم از صفحه مجازی اینستاگرام خانه شجریان آن را پخش کنند. آيا نشان دادن آموخته‌هایشان به یاد استاد در وحدتی به یاد ایشان حرکت کوچکی شمرده می‌شود؟

در عمل به کدام جهت می‌چرخد برای گرفتن پست و میز و یا نگهداشت آن و یا اعتلادادن به هنری که نمی‌خواهیم در جابزند؟ برگزاری چهلمین روز درگذشت استاد شجریان کمترین خواسته‌ای بود که اهالی موسیقی چشم‌انتظارش بودند که نه سازمان‌های دولتی متولی فرهنگ و هنر آن را به انجام رساندند و نه خانه موسیقی که در

جوزدگی‌هایی که فروکش می‌کند

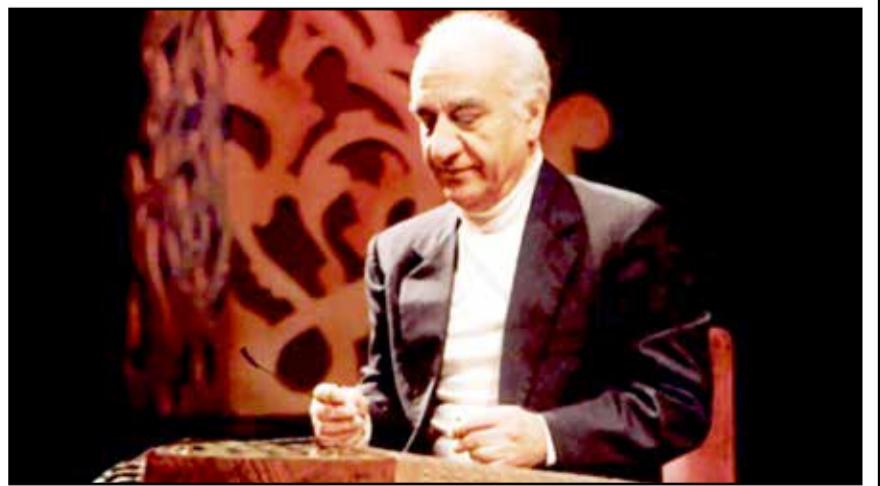
نقدی بر موج شجریان خواهی عمومی

کسی دیگر اصلاً یادش نبود که قرار بوده نام پایور بر این سالن بنشیند که بخواهد بپرسد. می‌خواهم بگویم چنین مواردی در روزهای داغ اولیه شاید معنایی بیاید اما بعداً خود اهالی موسیقی نیز فراموش می‌کنند که قرار بود چه بشود. این مساله در همه چیز همین‌گونه صادق است.»

راست می‌گفت شهرام صارمی چرا که همیشه اهالی موسیقی ما اسیر جوزدگی‌ها و موج‌های گذرانی هستند که دیگران ساخته‌اند تا بر گرده مرتفع آن سوار شده و از دیگران منتفع شوند اما بعد از فروکش کردن تب‌ها و جو زدگی‌ها دیگر سراغی از آن نمی‌گیرند. نمونه دیگر آن، همین جو عمومی که در شهرها و شوراهای شهری به راه افتاده و انگار در مسابقه‌ای به سر می‌بریم که خیابانی به نام شجریان در هر شهری نام گذاری شود. آن‌هم در روزگاری که استاد شجریان در زمان حیاتش نیز به‌طور شایسته قدر ندید.

به خوبی پیش رفت و در آثانی آن که اکنون در خاطر ندارم که چه کسی گفت اما پیشنهادی برای نام گذاری سالن ارسباران به نام استاد پایور مطرح شد. بسیاری در این مراسم از این پیشنهاد برای نام گذاری استقبال کردند و آن را گام کوچکی از جانب اهالی موسیقی در راستای بزرگداشت استاد فقید پایور عنوان کردند.

برای این هدف مکاتباتی با هر جایی که مربوط شد صورت گرفت با شهرداری، شورای شهر، فرمانداری و هر جایی که لازم شد و در یک چرخه عریض و طویل بروکرسی و کسب اجازه برای تغییر نام سالن داخلی فرهنگسرای ارسباران، که هر طوری بود آن را بعد از بیشتر از یک سال پشت سر گذاشتیم که بالاخره هم این مهم ممکن نشد و مورد موافقت قرار نگرفت؛ اما کسی از آن همه جمعیت موزیسین حاضر در جلسه بزرگداشت استاد پایور بعداً پیگیر نشد که چرا نام پیشنهادی برای سالن ارسباران ممکن نشد.



در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با نگراند داشت، به بیان نمونه و خاطرهای از این دست پرداخت که انعکاس آن خالی از لطف نیست: «سال ۹۴ بزرگداشتی برای استاد پایور در فرهنگسرای ارسباران ترتیب داده بودیم. این برنامه

هفته گذشته به پیشنهاد نام گذاری روز موسیقی به تاریخ تولد استاد شجریان که در حرکتی پوپولیستی و خودنمایانه از سوی خانه موسیقی اعلام شده پرداختیم و آن را در بوته نقد قرار دادیم. در تماسی که شهرام صارمی، نوازنده کمانچه و مدیر خوش‌نام حوزه موسیقی